

برگی از پرونده آیت الله غروی

۵ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۱۰

روز پنجم آذر ۱۳۵۷ آیت الله شیخ محمد غروی کاشانی دار فانی را وداع گفت. وی که از علمای مجاهد ایران در قرن چهاردهم هجری در ۱۳۱۳ ق بود در کاشان متولد شد. تحصیلات مقدماتی و سطح را در این شهر نزد حاج ملا حبیب الله کاشانی فرا گرفت، سپس به اصفهان رفت و فلسفه را از محضر میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشانی تحصیل نمود. آنگاه به نجف اشرف رفت و مدت ۱۴ سال در حوزه درس حضرات: حاج میرزا حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و ضیاءالدین عراقی حضور یافت و دروس خویش را تکمیل نمود و به دریافت اجازه اجتهاد نائل گردید. پس از آن به کاشان مراجعت نمود و به تدریس و رتق و فتق امور پرداخت. او با گذشت ایام در ردیف علمای طراز اول کاشان قرار گرفت. آیت الله غروی فقیهی شجاع و عالمی پارسا و پیشوایی زنده دل بود که دین را از سیاست جدا نمی دانست.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ که گروه مذهبی «فدائیان اسلام» تاسیس شد و در تهران و برخی از شهرها جوانان و مردم مسلمان انقلابی به آنها پیوستند، شاخه ای از آنها نیز در شهر مذهبی و دانش پرور کاشان ایجاد شد. افراد این گروه که در راس آنها حاج محمد رسول زاده قرار داشت با فتوای آیت الله غروی، تنی چند از افراد بهایی را که در کاشان با فعالیت علنی خود کار را بر مسلمانان تنگ کرده بودند به عنوان محاربین با خدا و رسول و مفسدین فی الارض از پای درآوردند که از جمله رئیس آنها، سلیمان برجیس، یهودی بهایی شده بود. این کار شجاعانه فدائیان اسلام به رهبری آیت الله غروی موجب شد که دولت وقت عکس العمل شدیدی نشان دهد؛ به این معنی که پس از مراجعه و اعتراف عاملین قتل به عمل خود، به عنوان یک اقدام انقلابی و اسلامی آنها را زندانی نمود و آیت الله غروی را نیز از کاشان تبعید کرد. نخست قرار بود که وی به نقطه دور دستی از کشور تبعید شود ولی با اقدامات آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، او را به اقامت اجباری در تهران مجبور ساختند.

در ورود به تهران، آیت الله غروی مورد استقبال گرم مردم و فدائیان اسلام و بخصوص علمای بزرگ قرار گرفت. با اینکه ایشان در تهران تحت نظر بود ولی با همکاری آیت الله کاشانی، دست از مجاهدت برنداشت و در نهضت ملی اقدامات ارزشمندی انجام داد. در سقوط دولت هژیر که با اقدامات آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام صورت گرفت و نیز آزادی آیت الله کاشانی در ۱۳۳۵ شمسی - مقارن با نخست وزیری سپهبد فضل الله زاهدی - از زندان، کوشش فراوانی به عمل آورد.

در ۱۳۴۱ که روحانیون و مراجع قم به مخالفت با رژیم شاه به پا خاستند، روحانیون تهران نیز به منظور مخالفت با فراندوم شاه و پشتیبانی از مراجع قم در منزل آیت الله غروی اجتماع نمودند که همگی دستگیر و در زندان قزل قلعه زندانی شدند.

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آیت الله غروی اولین روحانی بزرگ تهران بود که طی اعلامیه هایی مردم را به تبعیت از امام خمینی تشویق نمود و همین کار نیز باعث دستگیری و گرفتاریهای زیاد وی شد. حتی شاه شخصاً دستور داد تلفن منزل او را قطع کرده و نام وی را از دفترچه تلفن حذف نمایند و کسی حق ملاقات با او را نداشته باشد.

وی تنها عالم مجاهدی بود که بلافاصله پس از شهادت محمد بخارایی و همزمان او و طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی، بر مزار آنها گریست و فاتحه نثارشان کرد و برای شهید محمد بخارایی و همزمان شهیدش، و شهدای روحانی : سید محمد رضا سعیدی و آیت الله غفاری مجالس ترحیم برگزار نمود که با مخالفت ساواک و مزاحمت برای وی توأم بود.

در جریان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ۱۳۴۶ آیت الله غروی که بسیار نگران سرنوشت جنگ بود مجلس دعایی در مسجد ارک برپا نمود و چون مامورین درهای مسجد را بستند در پشت درب مسجد همراه مردم برای پیروزی مسلمین دعا نمود، سپس مردم مسلمان در اطراف پراکنده شدند و با شعارهای مرگ بر اسرائیل و حامیانش، لرزه بر اندام رژیم انداختند. به دنبال آن آیت الله غروی به شهربانی احضار شد و در پاسخ به تهدیدات رئیس شهربانی گفت : دستگاه استبداد باید بداند که در باره من سه کار بیشتر نمی تواند انجام دهد. یا زندان که باعث راحتی من است، یا تبعید که برای من سیاحت است، و یا کشتن که در آن صورت به درجه شهادت نائل می آیم!

آیت الله غروی به منظور پیوند دانشگاه و حوزه، دست به پرورش دانشجویان مجاهد زد، وی پس از کشتار بیرحمانه در دانشگاه تهران (آبان ۱۳۵۷)، چنان ناراحت و منقلب شد که بستری و زمین گیر گردید و آخر عمرش را بدین گونه گذراند. او از اینکه نمی توانست وظایف خود را مانند سابق انجام دهد سخت غمگین بود و این رنج را طی تلگرافی به پاریس به امام خمینی مخابره نمود، ولی دولت از درج آن در جراید جلوگیری کرد.

آیت الله غروی در ۵ آذر ۱۳۵۷ در ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. دولت سعی داشت که از جنازه آن روحانی بزرگ تشییع به عمل نیاید ولی مردم مسلمان تهران که آن فقیه مبارز را بخوبی می شناختند در مرگش به سوگ نشستند و دو روز بعد به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران برایش تشییع جنازه باشکوهی به عمل آوردند و بازار تهران و خیابانهای اطراف آن به صورت تعطیل در آمد. حکومت نظامی در چند خیابان، مردم تشییع کننده را به گلوله بست که منجر به شهادت سه نفر از مردم شد و عده زیادی هم مجروح گردیدند.

محمد حسن رجبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۲، ص ۳۳۱ تا ۳۳۲

